



پیش نوشتار

سخنِ ناصحانه

با بایان و بهائیان

تالیف: فقیه کفر ستیز حاج شیخ محمد جواد بلاغی

ترجمه مرحوم آیت الله سید علی فانی اصفهانی

به اهتمام: علی امیر مستوفیان

به نام خدا

اللهم عجل لوليک الفرج

www.bahatismiran.com

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

با سلام

تدیرو ورود شما دوستان گرامی که در راستای مبارزه با جهان کفر و اسلام ستیزانی همچون بهائیان گامهایی نو برداشته اید را تبریک گفته و از خداوند متعال پیروزی روز افزون شما رادر این عرصه خواستار است.

درضمن این پایگاه اینترنتی (بهائیت در ایران www.bahatismiran.com) آمادگی کامل همکاری در جهت افزایش غنای علمی با کلیه عزیزان فعال در این عرصه را اعلام نموده و انتظار عمل متقابل از سوی دوستان را نیز دارد.

و از شما عزیزان انتظار تبلیغ سایت بهائیت در ایران را که یک سایت جامع در زمینه ارائه کتب ، مقالات ، سخنان و خاطرات متبریان از بهائیت ، تصاویر، صوت ، فیلم ،... و هر گونه سندی که در جهت افشاگری بر علیه فرقه ضاله بهائیت می باشد دارد.

امید آنکه بتوان در جهت روشنگری اذهان مسلمین و تنویر افکار فریب خوردگان این فرقه ضاله گامهایی ارزشمند برداشت.

موفق باشید

منتظر شما هستیم

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما :

bahatismiran@bahatismiran.com

bahatismiran@gmail.com

info@bahatismiran.com

bahatism1@yahoo.com

پیش نوشتار

پند و اندرز که وسیله‌ای برای ارشاد و هدایت است به اعتبار کلام علی امیرالمؤمنین علیه السلام که فرموده‌اند « سرشت و طبیعت مؤمن خیر خواهی و نصیحت^۱ می‌باشد، در رأس وظائف اخلاقی اسلامی است و برای نائل آمدن به خیر مطلق و بزرگ مقداری در سراچه نیک‌اندیشان وارسته خود ساخته از اهم تکالیف انسانی به شمار می‌رود. و به همین لحاظ در تمامی ادیان آسمانی، جایگاهی رفیع و منیع داشته و دارد. چنان که حضرت ختمی مرتبت (ص) فرموده‌اند: « نصیحت و خیر خواهی، سرچشمه دین است^۲ » و هم فرموده است: « دین، نصیحت و خیر خواهی است. »^۳ لذا اصحاب حال و شوریدگان وصال دارالجمال که حُسن یوسف را زلیخاوار طالبند به پند دادن و نصیحت کردن همتی والا داشته‌اند تا چراغی فراره فریب خوردگان باشند. و ما پیش نوشتار این میراث جاودانه شخصیتی سرشناس تاریخ علم و فضیلت را که در ارشاد و هدایت صید شدگان بابی و بهائی تدوین شده است بر بیان فشرده‌ای پیرامون پند و نصیحت گذاشتیم.

باری این فضیلت پند و اندرز است برای نجات گرفتارشدگان نقش حساس و کارسازی داشته و دارد، این خصوصیت پند و نصیحت است که عنق‌ای روح را به بلندای قاف عشق به پرواز درمی‌آورد و در لحظه‌ای که انسان، مقابل حيله و خدشه شیدان قرار می‌گیرد، با او کار پیامبران را می‌کند. و لذا آنان که هشیار بوده و هستند، هشدار داده و می‌دهند آنگاه که تهاجم دست نشانده‌های استعمار در داخل با پلیدی و پلشتی خاص، ایمان عده‌ای ناآگاه را هدف قرار می‌دادند، برای اداء تکلیف و وظیفه خویش با گفتن و نوشتن به بهترین گونه‌اش و برترین نمونه‌اش همراه کنندگان و دشمنان نهان و آشکار و دست‌های پیدا و پنهان که از پشت صحنه، کارگردانان خود را در داخل کشورهای اسلامی هدایت و راهنمایی می‌کنند، در تلاششان ناکام و نقش آنان را برآب می‌کردند، که تاریخ تأیید کننده این واقعیت است. بر اثر همین جان برکفان روزگار بوده است که مبلغان زبر دست بهائیت مانند آیتی و نیکو، صبحی و اقتصاد مراغه‌ای و ... و ... بیدار شده به مبارزه برخاسته و برای برملا ساختن تزویرها و وابستگی‌های استعماری بابیان و بهائیان از امنیت خود مایه گذاشته، بدون ترس و وحشت در مقابل تهدیدهای خطرناک مأموران خنجر به دست روسای بابی و بهائی شجاعانه ایستاده، بدون پروا از آنان که هر کدام مصداق بارز بیرحمی و سنگدلی، خبثت و رذالت بوده‌اند، با گفتن، در واقع فاش کردن شیطنت- های روسای بابی و بهائی و نوشتن واقعیت‌های پنهانی، اسرار پشت پرده آنان را برملا کرده‌اند.

البته قابل ذکر و توجه است اغواگران که با دام تزویر و دانه خدعه، به فریب دادن ابناء بشر مشغولند، مقاصد شوم خویش را در ترویج اباطیلی که زیر بنا و اساس ساخت و ساز مسلک‌ها است، با لحن و کلماتی پند آمیز و نصیحت وار بیان داشته و بعضاً نوشته و می‌نویسند تا رخنه در ایمان و اعتقادی فردی که جهت اغوا و فریب، انتخاب کرده‌اند نمایند، ولی تردیدی نیست مثل او که بدون توجه به ماهیت مُبلغ زر خرید بابی و بهائی به دام آنان افتاده، راه از مسلمانی جدا می‌کند، مانند صیدی می‌ماند که فریب خورده، به درون دام می‌رود و گرفتار دام صیاد می‌شود. گوهر سعادت را از دست می‌دهد و وظایف بندگی‌اش را از یاد می‌برد؛ مآلاً از روشنائی به تاریکی، و از خدای به اهریمن می‌پیوندد. حالتی می‌یابد که قلب و چشم و گوش او از درک، دیدن و شنیدن حقایق باز ماند، در زمره فرومایگانی سیه روز درمی‌آی. به تعبیر قرآن « لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم أعین لا یبصرون بها و لهم أذان لا یسمعون بهاء اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک

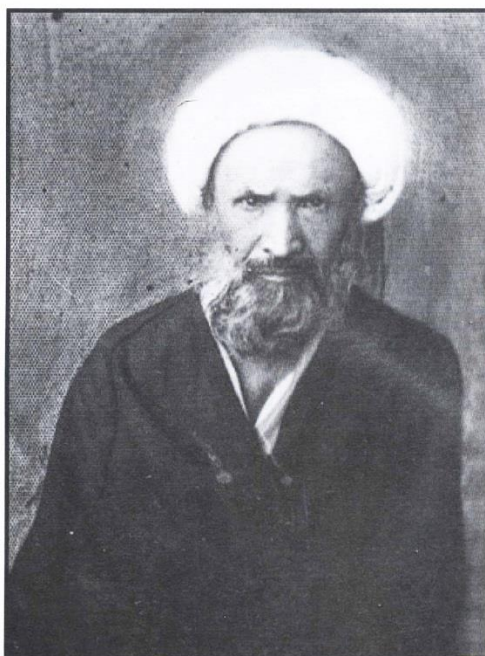
۱- المؤمن غریزته النصیح (مستدرک: ۴۱۲/۲)

۲- رأس الدین النصیحه (کنز العمال: ۷۹۱۳)

۳- الدین نصیحه (سفینه البحار: ۶۱/۱۰)

هم الغافلون» ۴ کسانی که از بهائم گمراهتر و نادانترند. چه بهائم به زجر منزجر می‌شوند و به هدایت مهتدی، و از کفر و قساوت تا آنجا که به وعظ و عاظ خیر خواه متعظ نمی‌شوند و به زجر منزجر نمی‌گردند و به آیات منتفع نمی‌شوند. پس از بهائم بهتر باشند.

مؤلف را بشناسید



علامه متفکر مجاهد نستوه شیخ محمد جواد بلاغی رحمته الله

دانشمند بزرگ و مصلح سترگ، محقق بصیر، مفسر خبیر، متکلم کم نظیر، فقیه گرانقدر، حضرت آیه الله حاج شیخ محمد جواد بلاغی نجفی یکی از مفاخر جهان تشیع همان اسلام ناب است. و به لحاظ اینکه مؤلف رساله حاضرند ناگزیریم در این نوشتار گوشه‌ای از زندگانی سراسر جوش و خروش این عالم فرزانه را مرور کنیم و اندکی از تعهد، آگاهی و احساس مسئولیت وی را باز نمایانیم.

وی را از قبیله «ربیع» و از فرزندان «عبدالله بن محمد» شاعر ربعی شمرده‌اند. پدرش علامه شیخ حسن بلاغی، صاحب منظومه فقهی و حواشی مفید بر بعضی از کتب فقه و حدیث است که در رحلت او «حدود ۱۳۱۰ هـ ق) سید ابراهیم طباطبائی، نواده سید مهدی بحر العلوم، قصیده غرایی سرود.

به هر روی علامه بلاغی در ماه رجب سال ۱۲۸۱ هـ ق ۵ در نجف اشرف در یکی از خانواده‌های علم و فضیلت و تقوا پا به عرصه وجود نهاد. تا سن ۲۴ سالگی (۱۳۰۶ هـ ق) در نجف اشرف ماند.

اساتید بزرگ‌ار ایشان هر یک ستاره‌ای درخشان در آسمان علم و تقوا به شمار می‌روند و طبیعی است که شاگردی سخت‌کوش چونان «بلاغی» در محضر چنین بزرگانی، قله رفیع دانش را به سهولت فتح نماید. برخی از اساتید ایشان عبارتند از:

۱. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، صاحب کفایه الاصول ۱۳۲۹ هـ ق
۲. علامه سید حسن صدر کاظمی، صاحب تأسیس الشیعه الکرام لفنون الاسلام ۱۳۵۴ هـ ق
۳. علامه شیخ محمد طه نجف، صاحب اتقان المقال فی أحوال الرجال ۱۳۲۳ هـ ق
۴. فقیه زاهد شیخ محمد حسن مامقانی، صاحب ذرایع الأحلام فی شرح شرایع الاسلام د. ۱۳۲۳ هـ ق
۵. علامه بزرگ محدث نوری، صاحب مستدرک الوسائل ۱۳۲۰ هـ ق
- ۶- علامه حاج آقا رضا همدانی، صاحب مصباح الفقیه د. ۱۳۲۲ هـ ق
۷. فقیه سترگ آقا سید محمد هندی، داماد مرحوم صاحب جواهر و صاحب شوارع الاعلام فی شرح شرایع الاسلام د. ۱۳۲۳ هـ ق

مرحوم علامه بلاغی در محضر پربار این بزرگان به آموختن فقه، اصول، حدیث، رجال و ... پرداخت و از بسیاری از ایشان نیز اجازه نقل حدیث دریافت نمود. سپس در سال ۱۳۲۶ هـ ق، برای استفاده بیشتر از اساتید آن زمان رهسپار سامرا شد و مدت ۱۰ سال از فیض حضور درس پربار فقیه و علامه گرانقدر مرحوم شیخ محمد تقی شیرازی، صاحب حاشیه مکاسب (د. ۱۳۳۸ هـ ق) برخوردار گردید.

از آنجا که آن فقید، همواره عزت و استقلال و سربلندی مسلمین و ممالک اسلامی را در نظر داشت و برای به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام از هیچ کوششی فروگذار نمی‌نمود، لذا در سال ۱۳۳۶ هـ ق از سامرا به سوی کاظمین حرکت نمود و دوش به دوش دیگر روحانیون و عالمان دینی در انقلاب سال ۱۳۳۷ هـ ق / ۱۹۲۰ م در عراق، علیه استعمار انگلیس که با فتوای میرزای شیرازی دوم آغاز و به استقلال این کشور منجر شد به مدت دو سال شرکت کرد.

آنگاه در سال ۱۳۳۸ هـ ق در سن ۵۶ سالگی به نجف بازگشت و به تألیف و تصنیف پرداخت. ۶

شاگردان

این فقیه فخرآور در محفل درس پربار خویش به تربیت شاگردان چندی پرداخت که هر یک اختر فروزانی در آسمان علم وایمان گشتند و به نور خویش جهان فضیلت را بیاراستند. در اینجا نام برخی از آنان را زینت بخش این سطور می‌کنیم:

۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا آل فرج الله نجفی (۱۳۸۶ هـ ق) صاحب الغدیر فی الاسلام
۲. علامه ادیب، مرحوم میرزا محمد علی غروی اردوبادی (د. ۱۳۸۰ هـ ق) صاحب علی علیه السلام ولید الکعبه و الحدیقه المبهجه
۳. فقیه علم و ادب، مرحوم علامه سید محمد صادق بحر العلوم (د. ۱۳۹۰ هـ ق) مؤلف دلیل انقضاء الشرعی
۴. مرحوم آیت الله حاج شیخ علی محمد بروجرودی (د. ۱۳۹۵ هـ ق) صاحب کتاب الخمس
۵. مرحوم علامه شیخ مهدی حجار نجفی (۱۳۵۸-۱۳۲۲ هـ ق)
۶. مرحوم آیت الله حاج سید صدرالدین جزائری
۷. مرحوم آیت الله حاج آقا حسین خادمی اصفهانی (د. ۱۴۰۵ هـ ق) صاحب رهبر سعادت
۸. فقیه بزرگ مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خویی، صاحب البیان فی تفسیر القرآن و معجم رجال الحدیث و کتب بسیار دیگر. ایشان در دو کتاب البیان و نفحات الاعجاز از استاد خویش فراوان یاد کرده است و شاید بتوان گفت: این دو کتاب، عصاره استفاده ایشان از محضر آن بزرگمرد است. ۷
۱۰. مرحوم آیت الله حاج شیخ نجم‌الدین جعفر عسکری تهرانی (۱۳۹۵-۱۳۱۳ هـ ق) صاحب مقام امیرالمؤمنین عند الخلفاء، فضائل فاطمه الزهرا و دهها کتاب دیگر
۱۱. مرحوم آیت الله حاج شیخ مجتبی لنگرانی نجفی
۱۲. علامه محدث مرحوم حاج شیخ ذبیح الله محلاتی (د. ۱۴۰۵ هـ ق) صاحب ریاحین الشریعه
۱۳. مرحوم آیت الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، صاحب تعلیقات احقاق الحق
۱۴. مرحوم آیت الله سید مرتضی مرتضوی لنگرودی (د. ۱۳۸۳ هـ ق)
۱۵. مرحوم آیت الله حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی
۱۶. مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد مهدی لاهیجی (۱۴۰۳-۱۳۱۷ هـ ق) صاحب تفسیر القرآن کریم، دیوان اشعار، الاثمه الاثنا عشر ودهها کتاب دیگر.
۱۷. سید محمد باقر محلاتی (۱۳۸۱-۱۳۱۷ هـ ق) صاحب الفوائد الدنیویه و حل معاهد الاصول

۱۸. فقیه و مجتهد بزرگ شیعه، مرحوم آیه الله سید محمد هادی میلانی (د. ۱۳۹۰ ه. ق) صاحب محاضرات فی الفقه الإمامیه و قادتنا کیف نعرفهم؟

۱۹. استاد احمد امین کاظمی بغدادی (۱۳۹۰-۱۳۲۴ ه. ق) صاحب التکامل فی الاسلام

راویان

۱. مرحوم آیت الله مرعشی نجفی (۱۴۱۱-۱۳۱۹ ه. ق)

۲. مرحوم علامه میرزا محمد علی ادیب تهرانی.

۳. مرحوم علامه میرزا محمد علی مدرس خیابانی (د. ۱۳۷۱ ه. ق) صاحب ریحانه الادب

تألیفات

از او آثار بسیاری به جای مانده است که همه حاکی از ژرف نگری، احساس تعهد و مسئولیت، عمق دانش و فکر عالی و برخورداری از دلیل واضح و موضعگیری در برابر معاندین و دقت و نبوغ بی مانند اوست. آن آثار عبارتند از:

الف) تفسیر

۱. آراء الرحمن فی تفسیر القرآن: این کتاب نفسی است عمیق و موجز، با عباراتی واضح، ولی متأسفانه دست اجل فرصت اتمام این اثر گرانبها را به مصنف نداد و لذا ناتمام ماند. هم اکنون بخش تحقیقات اسلامی مؤسسه بعثت در قم، مشغول تحقیق این اثر می باشد. ۸

۲. رساله ای در پاسخ به سؤالاتی که از جبل عامل برایشان ارسال شده و شبهاتی پیرامون قرآن کریم نموده بودید که به چاپ رسیده است.

ب) کلام

۱. الهدی الی دین المصطفی: نقد و ایراد بر کتابی است به نام الهدایه نوشته نویسندگانی مسیحی، در دو بخش و بیش از ۷۰۰ صفحه. این کتاب نمایانگر روح تحقیق و بررسی و کاوش در فن عقاید و کلام است و جایگاه ویژه ای در میان کتاب های کلامی دارد. در این نوشتار، مرحوم بلاغی در اوج فریاد خویش، نویسندگان خائن را رسوا ساخته و اعتراضات سخیف آنان را با مشت آهنین استدلال پاسخ داده است. این کتاب بهترین معرف تسلط فراگیری وی به تاریخ ادیان و مذاهب و فرق است و در آن نشان داده است که ایراد آوران بر اسلام و احکام و قرآن، چگونه به حقیقت و دانش، خیانت روا داشته و کلام خود را به حيله و مغالطه و بهتان و دروغ، آمیخته اند.

الهدی با مقدمه‌ای ارزشمند از دکتر توفیق الفکیکی صاحب الراعی و الرعیه به چاپ رسیده است. این کتاب را مرحوم حجت الاسلام سید احمد صفائی با نام اسلام آئین برگزیده به فارسی ترجمه نموده است. ترجمه مذکور مزین به حواشی مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی است.

۲. الرحله المدرسیه (یا المدرسه السیاره): در سه بخش و حدود ۶۰۰ صفحه، با مقدمه‌ای از استاد سید احمد حسینی اشکوری به چاپ رسیده.

۳. التوحید و التثلیث: پاسخ رساله‌ای است که یکی از مسیحیان سوریه برای ایشان فرستاده و در ۵۶ صفحه در سال ۱۳۳۲ ه. ق در صیدا به چاپ رسیده است. این کتاب به تازگی در قم در ۹۰ صفحه از سوی مؤسسه قائم آل محمد (ص) به چاپ رسیده است.

۴. اعاجیب الاکاذیب: این رساله و برگردان فارسی آن با نام شگفت‌آور دروغ با ترجمه عبدالله ایرانی در ۱۳۶۴ ه. ق در نجف چاپ شده است.

۵. انوارالهدی: در اثبات وجود خدا و پاسخ مادیین و در ۱۴۴ صفحه در ۱۳۴۰ ه. ق در نجف به چاپ رسیده و در مدرسه الواعظین لکهنوهندوستان نیز به زبان اردو ترجمه شده است.

۶. البالغ المبین بین المادیین و الإلهیین: در اثبات وجود خدا و معاد به شیوه‌ای نو و ابتکاری و در ۴۷ صفحه در بغداد چاپ شده است.

۷. نصایح الهدی کتاب حاضر است که ما با نام «سخنی ناصحانه با بابیان و بهائیان» منتشر نموده‌ایم. در رد فرقه گمراه بهائیت است که بسیار مستدل بطلان آن را اثبات می‌کند و در ۱۵۶ صفحه در بغداد به چاپ رسیده است. این کتاب را مرحوم آیت الله العظمی حاج سید علی فانی اصفهانی (د. ۱۴۰۹ ه. ق) در سال ۱۳۶۹ ه. ق به فارسی ترجمه کرد و در اصفهان به چاپ رسید.

همچنین مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی این کتاب را به همراه مصباح الهدی تلخیص و ترجمه نمود و به نام بارقه البصر فی ذکر المتمهدین فی القرن الثالث عشر نامید. ۹ چاپ گردید.

۸. مجموعه‌ای از بحث‌های مختلف همچون مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - معراج، الهیات، امامت و نبوت می‌باشد.

۹. المسيح و الأناجیل

۱۰. داعی الإسلام و داعی النصرانیه: در پاسخ به شبهات مسیحیات نگاشته شده است.

۱۱. أجوبه المسائل البغدادیه: رساله‌ای است که در پاسخ به برخی پرسش‌ها درباره اصول دین، نگارش یافته است.

۱۲. نسّمات الهدی: برخی از فصل‌های این کتاب در مجله «العرفان» به چاپ رسیده است.

۱۳. المصباح: رساله‌ای است که در رد قادیانیه، بهائیه، بابیه و ازلیه تحریر یافته است.
۱۴. «مسئله فی البداء» با مقدمه علامه شیخ محمد حسن آل یاسین در سال ۱۳۷۴ هـ ق در بغداد در ۱۴ صفحه و در ضمن نفائس المخطوطات به چاپ رسیده است.
۱۵. مصباح الهدی: توسط مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی به فارسی ترجمه گردیده است.
۱۶. «نور الهدی»: جواب پرسش‌هایی از جبل عامل، چاپ نجف در ۲۰ صفحه
- (ج) فقه
۱. حاشیه و تعلیق بر مباحث بیع مکاسب شیخ انصاری (ره) (تا بیع الوقف): در ۴۸ صفحه در سال ۱۳۴۳ هـ ق در نجف چاپ شده است.
۲. تعلیق بر بخش اول عروه الوثقی: گویند که در این حاشیه به مدارک و خلاصه استدلال‌ات نیز اشاره‌ای شده است.
۳. تعلیق بر کتاب شفعه جواهر الکلام
۴. رساله‌ای در حرمت ریش تراشی: در ۲۴ صفحه و با مقدمه استاد معظم آقای استادی به چاپ رسیده است.
۵. رساله‌ای درباره قاعده ید
۶. رساله‌ای درباره بعضی از فروع علم اجمالی
۷. رساله‌ای درباره لباس مشکوک
۸. رساله‌ای در تنجیس متنجس، و نیز پاسخ به مرحوم علامه شیخ محمد مهدی خالصی (د. ۱۳۴۳ هـ ق) که قائل به تفصیل بود.
- این رساله چهارگانه در ۸۰ صفحه همراه با تعلیق مکاسب در نجف چاپ شده است.
۹. رساله‌ای درباره قاعده «الزام» (الزام غیر امامی به احکام دین خود): این رساله به سال ۱۳۷۸ هـ ق در ۴۰ صفحه به اهتمام مرحوم آیت‌الله میلانی قدس سره و تصحیح جناب آقای علی اکبر غفاری به چاپ رسیده است.
۱۰. رساله‌ای در احکام وضو، نماز و روزه: در آن اثبات گردیده است که چگونگی وضو، نماز و روضه شیعه امامیه، طبق ادله فقه اسلامی به احتیاط نزدیکتر است. گویا مرحوم مصنف این رساله را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است.
۱۱. رساله‌ای درباره مسائل رضاع: در آن بین فتاوی امامیه و دیگر مذاهب اربعه تطبیق شده است.
۱۲. رساله‌ای در اثبات احکام مختص به شیعه از طریق احادیث اهل سنت و جماعت: در آن برای اقوال خاص شیعه امامیه از احادیث اهل سنت دلیل ارائه شده است.

۱۳. رساله‌ای در میقات‌های احرام و محاذات آنها
۱۴. رساله‌ای در تعیین قبله شهرها و مقدار انحراف آنها و طول و عرض آن شهرها: مؤلف در این رساله به برخی از تقویم‌ها ایراد گرفته است.
۱۵. رساله‌ای در ابطال عول و تعصیب که اهل سنت در باب ارث بدان قائلند: این اولین نوشتار مرحوم بلاغی است.
۱۶. رساله‌ای در اجتهاد و تقلید: این رساله ناتمام است.
۱۷. رساله‌ای ناتمام در خیارات و انواع و احکام آنها
۱۸. رساله‌ای در اقرار مریض
۱۹. رساله‌ای در منجزات مریض
۲۰. رساله‌ای در طهارت غسله
۲۱. رساله‌ای دیگر در رضاع
۲۲. رساله‌ای در نماز جمعه برای کسی که بعد از ظهر مسافرت نماید، و حکم آن در زمان غیبت.
۲۳. رساله‌ای در حکم ذبایح اهل کتاب
۲۴. رساله‌ای در حرمت مس قرآن بر محدث
۲۵. رساله‌ای در حکم آب کمتر از کر که روی آب متنجس کمتر از کر دیگری بریزند، و روی هم اندازه کر شود.
۲۶. رساله‌ای در ابطال فتوای برخی از وهابیون مبنی بر تخریب قبور ائمه اطهار در حرمین شرفین
۲۷. رساله «دعوی الهدی الی الورع فی الأفعال و الفتوی»: در همان موضوع رساله قبل که در سال ۱۳۴۴ هـ ق در نجف چاپ شده است.
۲۸. رساله‌ای در پاسخ به پرسش‌هایی درباره طلاق، تعدد زوجات و حجاب که از تبریز پرسیده بودند.
- (د) اصول فقه
- رساله‌ای درباره اوامر و نواهی
- (ه) تاریخ
- رساله‌ای در نفی تروج ام کلثوم با عمر بن خطاب
- (و) کتابشناسی

رساله‌ای درباره بی‌اعتباری تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)

ز) پاسخ به مسائل

پاسخ به پرسش‌هایی که از بغداد، حله و لبنان رسیده بود.

ح) نقد و انتقاد

بلاغی با دانش گسترده خود به استواری پایه‌های اندیشه و عقاید اسلامی تأکید ورزید و به رد و انتقاد بر مذاهبی چون یهود، مسیحیت، بهائیت، مادیت، قادیانیه و ... پرداخت. همچنین به شبهات کسانی چون: ارنست رنان، کشیش لامنس، جرج سائل، داروین پاسخ داد. برخی از آثارش در این زمینه عبارتند از:

۱. رساله‌ای در رد کتاب تعلیم العلماء غلام احمد قادیانی

۲. الشهاب: در رد کتاب حیاة المسیح غلام احمد قادیانی

۳. رساله‌ای در رد حیوان: در ایراد و انتقاد از فرقه قادیانیه

۴. رساله‌ای در رد کتاب ینابیع الکلام

۵. رساله‌ای در رد کتاب قس جرجیس سائل و هاشم عربی

۶. داروین و اصحابه: رد برداروین و پیرامون مکتب او که به چاپ رسیده است.

ط) ادبیات

۱. آن بزرگمرد متعهد و فریادگر، به مبارزه با تمامی کژی‌ها و زشتی‌ها پرداخت و گاه با تألیف، تصنیف، ترجمه و گاهی با سلاح برآن شعر، به جنگ منحرفان و بزرگداشت ارزش‌ها رفت. اشعاری که از وی در ضمن کتاب‌های گوناگون همچون، اعیان الشیعه، ۱۰ ماضی النجف و حاضرها، ۱۱ الرحیق المختوم و شعراء الغری، درج شده همگی شاهد صدقی بر اوج تبحر وی در سرودن شعر است.

برخی از صفات و ملکات نفسانی

پیشوایان و راهنمایان بشر به طریق هدایت، همواره اخلاق زیبایی پیامبران الهی را الگوی خود قرار داده، با حرکت در مسیر انبیاء، انسان را به سر منزل مقصود می‌رسانند. و به راستی می‌بینیم که فقهای تشیع با الگو قرار دادن اخلاق عظیم رسول خدا (ص) و ائمه طاهرین (علیه السلام)، والاترین حماسه‌های شکوهمند زندگی بشری را به ارمغان آورده‌اند. یکی از آن فقیهان کفر ستیز - که از نبرد با شیطان نفس سربلند و پیروز در آمده‌اند، فقیه فقید و فخر اسلامیان، مرحوم بلاغی است.

۱۰ - امین، اعیان الشیعه، ج ۴، صص ۲۵۶ - ۲۵۸

۱۱ - آل محبویه نجفی، ماضی النجف و حاضرها، ج ۲، صص ۶۴ - ۶۵

اینک برخی از فضایل اخلاقی آن عالم بزرگ را می‌شماریم:

الف) اهتمام در بزرگداشت مقام ائمه اطهار(ع)

زمانی که نغمه‌های شوم برای تضعیف سوگواری حضرت سید الشهداء (ع) به گوش می‌رسید، برای جلوگیری از رشد این وسوسه‌ها شخصا در دسته‌های عزاداری و سینه‌زنی بدون کوچکترین خودبینی شرکت می‌کرد و در خیابان‌ها به راه می‌افتاد.

و آن هنگام که برخی از سرکرده‌های وهابی از روی نادانی، به تخریب قبور ائمه بقیع و صحابه و همسران رسول خدا رأی دادند، آن بزرگمرد در ابطال قول آنان دو کتاب نگاشت و منتشر کرد و با سرودن قصیده‌ای، انزجار خود و دیگران را ابراز نمود. چنان محبت راسخی در اعماق وجود خویش به اهل بیت پیامبر(ع) احساس می‌کرد که آن را یکی از ویژگی‌ها و خصایل چشمگیر وی نام برده‌اند، تا آنجا که نوشته‌اند:

« اگر وی نبود، مخالفان و منحرفان، مراسم عزاداری حسین بن علی علیهما السلام را از میان می‌بردند.» ۱۲

ب) بهره‌وری از فرصت

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «انتهزوا فرص الخیر فانها تمر مر السحاب» از اوقات نیک بهره‌وری کنید که به تندی ابر می‌گذرند. ۱۳

علامه بلاغی به پیروی از این سخن نهایت استفاده را از اوقات خویش کرد.

از اوان جوانی و آغاز تحصیلات به کار تألیف و تصنیف اشتغال ورزید و در خلال تحصیلات و فراگیری خود به نگارش پرداخت. اولین تألیف او درباره ابطال عول و تعصیب و آخرینش آلاء الرحمن بود.

هنگام تحصیل در سامرا کتاب «الهدی الی دین المصطفی» را نگاشت و تا واپسین ایام زندگانی، دست از تحقیق و نگارش برنداشت. آنچنان که گویند: اواخر تفسیر آلاء الرحمن را هنگام شدت مرض و در بستر مرگ بر شاگردان خویش تقریر کرد. در سن ۵۴ سالگی بر افزودن معلومات و محفوظات خود، با وجود آنکه در محضر اساطین عالیقدر حوزه علمیه نجف، زانوی ادب به زمین زده و از فضلی تلامیذ آنان محسوب می‌شد، به درس علامه بزرگ مرحوم میرزای شیرازی دوم (د. ۱۳۳۸ ه. ق) حاضر شد و از فیض وجودش بهره‌گرفت. ۱۴

ج) مراعات ادب در گفتار و نوشتار

خداوند بزرگ می‌فرماید: «و جادلهم بالتی فی احسن ۱۵ با بهترین شیوه با مردم مجادله کن. در عمل به این آیه شریفه، علامه بلاغی آنچنان عفت قلم و ادب گفتار را رعایت می‌کرد که باب منزلش مقصد تمامی حق جوینان شده بود تا بدانجا

۱۲ - آل محبوبه نجفی، ماضی النجفی و حاضرها، ج ۲، ص ۶۲

۱۳ - آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۳۲

۱۴ - تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۲۳

۱۵ - نحل، آیه ۱۲۴

که نامه‌های فراوان از داخل و خارج عراق و حتی جهان غرب، برایش ارسال می‌شد و جواب می‌طلبیدند، و از همین طریق توانست عده بسیاری را به راه صواب رهنمون شود.

د) کوشش برای عزت و استقلال مسلمانان

هنگامی که قوای استعمارگر و متجاوز انگلیس، سرزمین اسلامی عراق را در جنگ جهانی اول به تصرف درآوردند، علمای عراق به رهبری میرزای شیرازی دوم (ره) برای بیرون راندن متجاوزین قیام کردند و سرانجام با مجاهدات فراوان، قوای بریتانیا را اخراج کرده استقلال عراق را به ارمغان آوردند. یکی از آن مجاهدین غیور و سلحشور، مرحوم بلاغی بود که مدت دو سال از سامرا به کاظمین هجرت کرد و در صف اول مبارزان قرار گرفت، و تا هنگامی که انقلاب ۱۳۳۸ هـ.ق (۱۹۲۰ م) به پیروزی و تشکیل دولتی مستقل، به ریاست علامه سید محمد صدر، نینجامید، آرام نگرفت و از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

ه) فروتنی و تواضع

هر چند علامه بلاغی از استادان بزرگ حوزه‌های علمیه بود، اما شخصا ما یحتاج منزل را از بازار تهیه می‌کرد و خود آن را به خانه می‌برد و می‌گفت هر کس باید بار خود و خانه‌اش را به دوش کشد. خدم و حشم نداشت و بی‌نام و نشان و آسوده از هیاهوی دنیوی به حیات پربارش ادامه می‌داد.

وی درباره علت نگارش تفسیر کم نظیر خود فروتنانه می‌گوید که این تفسیر را نگاشته تا فتح بابی باشد و دیگران هم به پیروی از این اندیشه، بهتر از آن را بنویسند و منتشر نمایند.

و) حق طلبی و حقیقت جویی

مرحوم بلاغی سعادت خویش را در اتباع از حقیقت می‌دید، لذا تمامی انتقادات و پیشنهادهای منصفانه را با رویی گشاده می‌پذیرفت، و اگر نادرست بود، مؤدبانه و با ملاحظت پاسخ می‌داد. حتی بر برخی از آثارش خود به طلب پرسش و ایراد و نقد و اصلاح برمی‌خاست و از گوش دادن به سخنان دیگران هیچ گونه ابایی نداشت. ۱۶

آنچنان شیفته حق بود که بر سخن - از هر که بود - مهر صحت می‌نهاد و در مقابل، قول باطل با ولو از بزرگان دانشمندان، نمی‌پذیرفت. نمونه روشنش را در مورد کتاب العتب الجمیل مشاهده می‌کنیم. هنگامی که این کتاب ارزشمند در دفاع از حریم اهل بیت (علیه السلام) به رشته تحریر درآمد، آن عالم وارسته براین کتاب تقریظی تشویق‌آمیز نگاشت و این عمل را ستایش نمود. و آنگاه که مرحوم محدث نوری که از دانشمندان و محدثات بزرگ شیعه است - رساله‌ای در اثبات تحریف قرآن - با استناد به دلایل ضعیف و واهی - نوشت، آن بزرگوار در مقدمه تفسیر آلاء الرحمن براین کار نادرست نقدی متین و استوار نوشت و اساس آن را باطل کرد.

ز) شناخت و وظیفه و تکلیف

آن بزرگمرد در طول حیات علمی خود همواره از روی احساس وظیفه دست به قلم می‌برد. آن هنگام که حس می‌نمود نوشتن کتابی بر تألیف موضوعی دیگر برتری دارد، بدون هیچ شک و تردیدی دست به کار می‌شد. خود گوید: زمانی

کتاب درباره اثبات استحکام فتاوی شیعه می نگاشتم و از آن، کتاب طهارت و صلوات را می نوشتم. آنگاه احساس وظیفه- ای دیگر کردم، لذا به کار مهمتر پرداخته از آن صرف نظر نمودم.

(ح) مجهز شدن به سلاح روز

اواسط قرن چهاردهم هجری (اوایل قرن بیستم میلادی) که دشمنان قسم خورده اسلام برای متزلزل ساختن ارکان دین اسلام با تمام وسایل اعم از کتاب، جزوه و نشریه به زبان های مختلف: عربی، فارسی، انگلیسی و ... هجوم آورده بودند، این سرباز شجاع، تنها نوشتن به زبان مادری خود (عربی) را کافی ندید و با همتی فتور ناپذیر، عزم جزم نمود و به آموختن زبان های بیگانه پرداخت و در اندک مدتی فارسی، انگلیسی و عبری را آموخت و گویا برخی از آثار گرانسنگ خود را بدین زبان ها ترجمه و منتشر کرد. تاکنون معلوم نشده است که مرحوم بلاغی انگلیسی را از کجا آموخته بود، اما در مورد آموزش عبری، استاد محمد رضا حکیمی گوید: «در آن روزگار، گروهی یهودی در شهرهای عراق زندگی می کردند که مقداری جنس، پارچه و امثال آن بر دوش داشتند و در کوچه و بازار می گشتند و می فروختند. بلاغی از این فرصت استفاده نموده و درباره مفردات و جمله بندی زبان عبری از آنان چیزهایی می پرسید. گاه مجبور می شد همه اجناس یک یهودی دوره گرد را بخرد تا از او درباره واژه یا ترکیبی سخنی بشنود (زیرا یهودیان در آموزش بانسان به دیگران بسیار بخلیند) گاه شیرینی و شکلات می خرید تا بچه ای یهودی را دیده و با دادن آنها به او، چیزی بیاموزد.»

۱۷

و نیز نوشته اند: «نزد یکی از یهودیان در نهان به آموختن زبان عبری پرداخت و در این راه، چنان کوشید که یکی از دانشمندان زبان عبری شناخته شده بود و یهودیان و ترسایان گفتارش را در ترجمه از زبان عبری حجت می دانستند و او را استاد مسلم می خواندند.» ۱۸

حضرت آیت الله مرعشی نجفی (قدس سره) می فرمود: «بارها وی را مشاهده کردم که تورات را در نهایت سلاست و روانی به عبری قرائت می نمود، به طوری که خاخم یهود به فضلش و احاطه وی به دقایق زبان عبری اقرار می کرد.» ۱۹

(ط) مرزبانی هدایتگر

این مرد والامقام، همواره در آینه خیالش سعادت انسان را نظاره می کرد. او خوشبختی و نیک فرجامی آدمی را در تبعیت از دستورات اسلام و قرآن می دانست، لذا با تمام وجود برای نشر حقایق آیین محمدی می کوشید.

وی همواره چون نگاهبانی بیدار، مترصد حملات بیگانگان و ایادی شیطان به حدود و مرزهای عقیدتی بود و با نیروی استدلال و برهان، ضعف گفتار مغرضین خاورشناس، بابیان، بهائیان، مادیان و وهابیان را برملا می کرد. او می خواست جانها به نور قرآن روشن شود و روحها به بوی برهان طراوت گیرد. او شمعی بود که می سوخت تا نورافشانی کند و خورشیدی بود که پرتو می افکند تا فراراه معارف پروران قرار گیرد.

(ی) آگاهی بیکران

۱۷ - حکیمی، بیدارگران اقلیم قبله، ص ۲۰۴

۱۸ - مدرسه چهاردهی، تاریخ روابط اجتماعی ایران و عراق، ص ۳۲۱

۱۹ - بلاغی، مدرسه سیار، مقدمه

او برای ردو ایراد مذاهب باطل، با صبر و پشتکار فراوان، ابتدا کتب و نوشته‌های آنان را ساعت‌ها و سال‌ها مطالعه می‌نمود و با همتی فتورناپذیر، از عقایدشان آگاهی کسب می‌کرد و با استفاده از معلوماتشان تمام سخنان آنان را ردو و پوچی، بی‌اهمیتی و سست بودن دلایلشان را هویدا می‌نمود.

آیت الله نجفی مرعشی می‌گویند: «همواره کتاب‌ها در برابرش باز بود و قلم لابه لای انگشتانش و کاغذ در کنارش، یا می‌خواند یا می‌نگاشت. از فرصت‌ها استفاده می‌کرد، از کوشش باز نمی‌ماند، از مطالعه و نوشتن خسته نمی‌شد و این، سبب دانش و بینش عمیق وی در فقه، اصول، کلام، تفسیر، فلسفه، درایه، حدیث، نجوم، تاریخ، شعر، رجال و دیگر علوم گردید.» ۲۰

ک) اخلاص در نیت

مشهور است که آن حکیم والاقدر، چون فقط خدا و دفاع از حق را در نظر داشت، نمی‌خواست نامش بر روی کتبش نگاشته شود (برای نمونه التوحید و التثلیث و الرحله المدرسیه چاپ اول). اوج اخلاص و صدق و صفای این قله سان حکمت را ببین که می‌گفت: تنها قصدم خدمت و دفاع از حق و حقانیت است، برای رضایت پروردگار؛ چه به نام من باشد یا به اسم دیگری. ۲۱. علی علیه السلام فرمود: «ثمره العلم اخلاص العمل» ۲۲ و بلاغی هر چه علمش افزون می‌شد، اخلاصش فزونتر می‌گردید و هر چه اوج عظمتش پدیدار می‌گشت، فروتنی او بیشتر می‌شد.

ل) زهد

پیشوای زهدپیشگان علی علیه السلام می‌فرماید: «الزهد سحیه المخلصین» ۲۳

بلاغی بزرگ که عظمت نامش لرزه بر اندام معاندین و مخالفین می‌افکند و آثارش شهرت جهانی یافته بود، چنان زاهدانه می‌زیست که زندگانی مولایش علی (علیه السلام) تداعی می‌شد. گویند: «اتاق کوچکی داشت و در آن جز حصیر و گلیمی که بر آن می‌نشست، چیز دیگری دیده نمی‌شد. در زمستان وسایل گرمای و در تابستان وسیله خنک کننده نداشت، با اینکه مزاجی ضعیف و بیمار داشت.»

در فقر و نداری وی گفته‌اند: «هنگامی که بیمار می‌شد، اصولاً پولی برای درمان نداشت و با همان بیماری صبر می‌کرد.»

حضرت آیت الله مرعشی نجفی قدس سره می‌فرمودند: «روزی بر وی وارد شدم و او را در حال بیماری شدیدی مشاهده کردم، در حالی که پولی برای درمان در بساط او یافت نمی‌شد. من آقایان خوبی و میلانی پولی بر روی هم نهاده و او را به دکتر رساندیم.»

مدرسی چهاردهی می‌نویسد: «وی برای چاپ کتاب الهدی پولی نداشت. به ناچار هر چه در خانه داشت به قیمت ارزان فروخت و کتاب را به چاپخانه فرستاد.» ۲۴

۲۰ - بلاغی، مدرسه سیار، مقدمه.

۲۱ - ركن: تهراني، نقيب البشر، ج ۱، ص ۳۲۴

۲۲ - آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۶۱

۲۳ - آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۴

۲۴ - مدرسی چهاردهی، تاریخ روابط اجتماعی ایران و عراق، ص ۳۲۹

برای چاپ کتاب های خود، از دیگران درخواست کمک می کرد برای نمونه آگهی منتشر کرد که در آن از مردم خواسته بود بودجه ای برای طبع کتاب الرحله المدرسیه و ترجمه اش مدرسه سیار در اختیار او بگذارند ۲۵ و برای نشر و فروش آلاء الرحمن از مرحوم سید محسن امین تقاضای یاری نمود.

و از ادامه نگارش کتابش درباره قبله تنها به دلیل فقر مالی صرف نظر کرد. ۲۶

مدرسی چهاردهی می نویسد: «خانه و آشیانه استاد ما در نجف بسیار کوچک و کهنه بود. ناتوانی مزاج، سینه تنگی، گرمای سوزان و بی پولی، گرفتار و بیمارش کرده بود. میرزا علی آقای شیرازی (فرزند میرزای مجدد) حاضر شد که خانه آبرومندی برای یک سال اجاره کرده و به بلاغی واگذار نماید. استاد نخواست زیر بار منت دوست قدیمی خود برود، و هر چه دوستان و شاگردان اصرار کردند وی قبول نکرده و می گفت: در این کلبه کوچک به قناعت زندگی کنم و نمی-خواهم دیگران برای خاطر من در فشار شوند.» ۲۷

(م) جدیت در رسیدن به هدف

مرحوم بلاغی برای رسیدن به اهداف خود از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد و از تلاش و کوشش باز نمی ایستاد. «که برخی از بهاییان در محله ای از بغداد، مکانی را به نام «حظیره» برای اجتماع خود بنا نهادند.

بلاغی با شنیدن این خبر، آرام نگرفت و استراحت بر خود روا نداشت، تا با مراجعه به دادگاه و قانون، آنان را به ترک محل و خلع ید از آن واداشت و پس از مدتی آن را به مسجدی آبرومند مبدل نمود.»

(ن) ابتکار و نوآوری

بلاغی روشن بین برای مطرح نمودن فقه شیعه در جهان اسلام، برخی از رساله های خود را به صورت مقارنه بین مذاهب پنجگانه نگاشت. و نیز در حاشیه خود بر عروه الوثقی به اجمالی از ادله احکام اشاره کرد و هم او برای روشن کردن منابع اقوال مختص شیعه امامیه، از ادله اهل سنت دلیل آورد و استحکام و درستی فتاوی امامیه را واضح نمود. بعضی از تصنیفات خود را به صورت داستان و مناظره بین چند نفر نگاشت. همچنین تحت عنوان العقود المفصله فی حل المسائل المشکله الفقهیه بسیاری از معضلات فقهی را به سرپنجه تحقیق خویش، آسان نمود.

(س) پرهیز از ساخته های غیر مسلمانان

بلاغی همواره بر قطع نفوذ بیگانگان اصرار می ورزید، و نفوذ اقتصادی آنان در کشورهای اسلامی را مقدمه ای بر نفوذ سیاسی و فرهنگی آنها می دانست. از این رو از کالاهای خارجی استفاده نمی کرد و بر به کارگیری اجناس ساخته مسلمانان پافشاری می نمود.

۲۵ - بلاغی، اعاجیب الاکاذیب، پشت جلد

۲۶ - همو، آلاء الرحمن، پایان جلد ۱

۲۷ - مدرسی چهاردهی، تاریخ روابط اجتماعی ایران و عراق، ص ۳۳۰

اصرار داشت که لباس هایش از ساخته‌های کشورهای اسلامی باشد. روزی او را شادمان دیدند و سببش را پرسیدند. در جواب گفت: «امروز یک توپ کرباس از ایران برایم رسید، واز آن پارچه، یک کفن، عمامه، پیراهن و شلوار تهیه کردم. سزاوار نیست که در گورستان با پارچه بیگانگان بخوابم و با لباس کافران به نماز بایستم.» ۲۸

وفات

هنگامی که عالمان و دانشمندان متعهد، پس از آنکه عمری نور فضیلت را پراکندند و معارف اسلامی را پروراندند، بسان شمع فروزانی روبه خاموشی نهاده خرقه خاکی از تن برون می‌کنند و سر بر بالین خاک می‌نهند و آنگاه است که رخنه‌ای بس اندوهبار در آیین الهی پدیدار شود که هیچ چیز جایگزین آن نتواند بود. آری شب بیست و دوم شعبان ۱۳۵۲ هـ ق بود که خبری اسفناک در نجف اشرف منتشر شد، و آن خبر ارتحال حضرت آیت الله شیخ محمد جواد بلاغی بود. مردی که با ۷۰ سال زندگانی سراسر مبارزه و تلاش و با تألیف حدود ۶۰ کتاب و رساله سرسختانه از کیان اسلام دفاع کرد.

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید: «نجف در مرگ او زیرو رو شد و تشییع با شکوهی از پیکر پاکش انجام گرفت. پیکرش را در صحن مبارک امیرمؤمنان علیه السلام و در کنار آرامگاه صاحب مفتاح الکرامه به خاک سپردند. عالم اسلام از مرگ چنین عالمی غرق اندوه و درد شد و با رفتنش دیوار دین بشکست.»

مرحوم علامه اردوبادی می‌نویسد: «اهل نجف، ناله کنان و سینه‌زنان به تشییع جنازه‌اش اجتماع و علما حاضر شدند و سید الطائفه آیت الله میرزا علی آقاشیرازی سه روز در جامع هندی و سه روز عصر در صحن مقدس علوی مجلس ترحیم، اقامه نمود.» ۳۰

حوزه علمیه نجف سه روز و حوزه علمیه قم از طرف مرحوم آیت الله حائری یک روز در عزای وی به سوگواری پرداخت و مجالس بزرگداشت فراوان به احترام مقام شامخ علمی او برگزار شد و در مرگش قصاید فراوان سرودند. که شاید بهترین آن، اشعار مرحوم غروی اردوبادی است.

ما ان یقم دین الهدی مانلا	الا و هذا عرقه النابض
فلیهن شرع المصطفی ان منه	فی فناه اسد رابض
فان و نوا عنه فمتلثما	یصول هذا البطل الناهض

تا آیین هدایت، استوار است این مرد، همانند خونی است که در رگ‌های آن جریان دارد. دین مصطفی (ص) شادمان باشد که در آستانه‌اش چنین شیرینی جگای گرفته است.

اگر به دین رسول پشت کنند و سبکش گیرند، این پهلوان مقاوم غرق در سلاح تقوا و دانش و برهان بر آنان می‌تازد.

۲۸ - مدرسه چهاردهی، تاریخ روابط اجتماعی ایران و عراق، ص ۳۲۳

۲۹ - ربك: تهرانی، نقیباء البشر، ج ۱، ص ۳۲۴

۳۰ - واعظ خیابانی، علمای معاصرین، ص ۱۶۵



آية الله العظمى حاج سيد علي علامه فاني اصفهاني رهبر

آیت الله سید علی علامه فانی اصفهانی فرزند سید محمد حسن یزدی در ظهر روز پنجشنبه ۲۶ ربیع الاول سال ۱۳۳۳ ه. ق در شهر اصفهان به دنیا آمد و در اندک زمانی تحصیل مقدماتی را به پایان رسانید. وی کتاب‌های زیر را در نزد اساتید مختلف عوام به سرعت آموخت و مدارج ترقی را طی نمود.

قوانین: نزد استاد شیخ محمد حکیم خراسانی، متوفای سال ۱۳۵۵ ه. ق

فرائد الاصول شیخ انصاری: نزد استاد شیخ مرتضی انصاری خراسانی، متوفای سال ۱۳۵۸ ه. ق

مکاسب و کفایه الاصول: در محضر استاد سید محمد نجف آبادی؛ متوفای سال ۱۳۵۸ ه. ق

آنگاه درس خارج فقه و اصول را در مکتب مرحوم آیت الله العظمی سید علی نجف آبادی؛ متوفای سال ۱۳۶۲ ه. ق آموخت و تا آخرین لحظات عمر آن عالم بزرگوار بهره‌های بسیار از او گرفت.

علامه فانی از حوزه‌ی درس شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی؛ متوفای سال ۱۳۶۲ ه. ق نیز استفاده‌های بسیار برد.

هجرت

علامه پس از وفات دو استاد بزرگوارش شهر اصفهان را ترک و به نجف؛ دیار علم و فضیلت کوچ کرد و از اساتید بزرگوار بی بهره‌های فراوان گرفت. استادانی که هر کدام مرجعی بزرگ برای عالم تشیع بودند.

از جمله از محفل درس آیات عظام سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی و دیگران استفاده علمی فراوان برد. اما بیشترین استفاده را در طول ۱۳ سال از استادش، سید علی نجف آبادی در شهر اصفهان برد. از این رو در مباحث علمی همیشه از مبانی اصولی و فقهی او یاد می‌کرد و گاه به نقد می‌کشید و برخی اوقات نیز یادی از سخنان پندآموز استاد می‌کرد و در تذاکرات اخلاقی به سخنانش استناد می‌نمود.

هوش و ذکاوت و سرعت درک علامه فانی چنان بود که در سن نوجوانی به درس خارج حاضر می‌شد و در همان سن و سال مجتهد و یا قریب به اجتهاد بود.

در سرودن شعر به فارسی و عربی نیز مهارت داشت و در زبان عربی، انگلیسی، فرانسوی به مرتبه استادی رسیده بود. به این خاطر زمانی که رساله توضیح المسائل او را به این سه زبان ترجمه کردند تصحیح متن را خود به عهده گرفت.

برگشت به ایران

در سال ۱۳۵۰ شمسی حکمت بعث عراق، ایرانی‌های مقیم در عراق را اخراج کرد و شهر کربلا و نجف را از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام خالی و فضلا و طلاب علوم دینی را از حوزه مبارکه نجف اشرف بیرون کرد و علامه فانی در ماه رجب سال ۱۳۹۳ هـ.ق از عراق به ایران بازگشت و حوزه علمیه مبارکه قم را برای سکونت و تدریس انتخاب کرد.

خود درباره علت بازگشت به ایران می‌گفت: « چون حوزه نجف از طلاب و فضلا خالی شد و برای حضور در درس کسی پیدا نمی‌شد، ماندن من در نجف ضرورتی نداشت و چون طالبان علم در حوزه قم بودند، این حوزه مرا به خود جلب نمود و من هم آهنگ شهر قم نمودم»

اقامت در تهران

ارادتمندان ایشان که از تجار محترم بودند در خیابان پامنار برای ایشان منزل مسکونی تهیه کرده چند ایامی به دید و بازدید مشغول شدند.

آیه الله العظمی حاج سید احمد خوانساری، آیه الله العظمی حاج سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، آیه العظمی حاج سید ابراهیم میلانی از ایشان دیدن کردند. مرحوم آیه الله حاج سید محمد علی سبط و آیه الله حاج شیخ حسن سعید از ایشان جهت اقامه نماز جماعت در مسجد مروی و چهل ستون دعوت کردند، نپذیرفتند در زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی به دعوت حجه الاسلام و المسلمین آقا بزرگ کنی وارد به مدرسه برهان شدند. تجلیل قابل توجهی از ایشان به عمل آمد. نماز مغرب و عشاء را در صحن حیاط امامزاده حمزه که برقرار بود اقامه کردند. سپس چند روزی در منزل مرحوم آیه الله حاج سید حسن اثنی عشری از علماء برجسته و مورد اعتماد قاطبه شهر ری جلوس کردند.

گفتار سیره نویسان

۱. محمد شریف رازی از ایشان چنین یاد کرده است: سید الفقهاء و المجتهدین آیه الله فی العالمین الحاج سید علی ۳۱...

۲. نویسنده کتاب سبل الهدایه نیز معظم له را اینگونه مورد تجلیل قرار داده: حضرت آیه الله العظمی سید علی علامه فانی فرزند مرحوم سید محمد حسن فانی یزدی اصفهانی از اکابر علما و فقها و مجتهدین معاصر. ۳۲
۳. علامه امینی از او اینگونه یاد نموده‌اند: الشریف العلامه الحجه حسنه الوقت و مفخره علماء العصر السید علی الفانی الاصفهانی احد اساتذه النجف الاشرف دام فضله و معاليه. ۳۳
۴. نویسنده کتاب ارمغان اصفهان می‌نویسد: عالم جلیل القدر آقای حاج سید علی بن سید محمد حسن علامه فانی اصفهانی از اعظم علما و مجتهدین و اکابر مدرسین. ۳۴
۵. نویسنده کتاب رجال الفكر و الادب فی النجف او را چنین توصیف می‌کند: مجتهد محقق محدق عالم متتبع من اساتذه الفقه و الاصول و ائمه التقليد و الجماعه و الفتيا. ۳۵

تألیفات

فقیه و مرجع علامه فانی عمرش را در تدریس و تألیف و تحقیق علوم اهل بیت علیه السلام سپری کرد و توانست کتاب‌های ارزشمندی برای طالبان علم و حقیقت به یادگار گذارد. در نوشته‌های ایشان دقت، تحقیق، ابداع و نوآوری در سبک نوشتاری نمایان بود. تألیفات ارزشمندی که از او بر جای مانده، به این ترتیب است.

۱. آراء حول القرآن؛ ۱۳۹۹ هـ ق، قم.
۲. آراء حول مبحث الاراده؛ ۱۴۰۵ هـ ق.
۳. البداء ۱۳۹۴ هـ ق.
۴. ترجمه تقویم المسحنین؛ تألیف مولی محسن فیض کاشانی، ۱۳۶۸ هـ ق.
۵. حاشیه بر عروه الوثقی؛ ۱۳۹۱ جلد اول و سال ۱۳۹۴ جلد دوم.
۶. ترجمه نصاب الهدی؛ ۱۳۷۰ هـ ق اصفهان.
۷. تفسیر سوره جمعه.
۸. تفسیر سوره فاتحه
۹. توضیح المسائل؛ به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسوی و اردو.
۱۰. حاشیه بر وسیله النجاه سید ابوالحسن اصفهانی، چاپ دوم.

۳۲ - سبل الهدایه: ج ۲، ص ۳۲۹

۳۳ - الغدیر: ج ۱۱

۳۴ - ارمغان اصفهان: ص ۶۳

۳۵ - رجال الفكر و الادب فی النجف: ص ۳۲۷

۱۱. دستور حج و عمره؛ زبان عربی.
 ۱۲. دیوان اشعار.
 ۱۳. رساله فی حکم الخراج.
 ۱۴. رساله فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر.
 ۱۵. رساله فی جوائز السلطان.
 ۱۶. رساله فی الذباجه.
 ۱۷. رساله فی علم الامام علیه السلام.
 ۱۸. رساله فی المعاملات الربوبیه.
 ۱۹. رساله فی المعاصی الکبیره.
 ۲۰. غالیه البیان فی عدم تحریف القرآن.
 ۲۱. الفوائد الرجالیه.
 ۲۲. قسبات العقول فی الفروع و الاصول که صاحب الذریعه نام آن را ذکر کرده است. ۳۶
 ۲۳. المتعه المشروعه؛ شعبان ۱۴۰۸، قم.
 ۲۴. المعارف العلویه فی الکلام.
 ۲۵. مقدمات التفسیر.
 ۲۶. مناسک حج فارسی، عربی و اردو.
 ۲۷. منظومه چهارده معصوم علیه السلام.
 ۲۸. عبدالله بن عباس، علمه و تفسیره و منطقه و ورعه و عله اتهامه بالاختلاص، ۱۳۹۸، ه. ق.
- تقریرات دروس ایشان که به چاپ رسیده است.
- الف: به زبان عربی از این قرار است:
۱. بحوث فی فقه الرجال؛ ۱۴۱۰ ه. ق.

۲. المختار فی الجبر و الاختیار.

۳. آراء الاصول، ۲ جلد در مباحث الفاظ.

۴. کتاب الطهاره؛ ۵ جلد.

۵. کتاب الصلاه؛ ۵ جلد.

۶. کتاب الاجاره؛ ۱ جلد.

بیشترین تقریرات دروس فقه و اصول استاد توسط شاگردش؛ علامه سید محمد علی صادقی اصفهانی، به تحریر آمده است و تقریرات دیگری نیز از وی هنوز به چاپ نرسیده است.

ب: تقریرات فارسی

از تقریرات دروس استاد علامه فانی به زبان فارسی این کتابها به چاپ رسیده است.

۱. زن از دیدگاه شریعت اسلام.

۲. گناه و کیفر ۳۷

۳. ترجمه المختار فی الجبر و الاختیار ۳۸

استاد بزرگوار بر برخی از کتابها از جمله قرآن از دیدگاه امام سجاد علیه السلام ۳۹ مقدمه نوشته‌اند و مقدمه‌ای نیز بر ترجمه کتاب الجبر و الاختیار دارند.

بردباری و استقامت

استاد گاه برای آموزش فضیلت به شاگردان و درس استقامت و بردباری در برابر سختی‌ها برخی از نامایمات را که در کودکی و جوانی در اثر فشار فقر دیده بود، حکایت می‌کرد و می‌گفت:

«مدرسه‌ای که در آن درس می‌خواندم، از خانه دور بود به این خاطر ظهر به خانه بر نمی‌گشتم و نهار را در مدرسه می‌خوردم. مادرم برای نهار زردک اصفهانی و تفاله سرکه به من داد تا به عنوان خورشت استفاده کنم.

آن وقت که جوان بودم و می‌توانستم بخورم، چیزی را نداشتم حال هم که به پیروی رسیده‌ام، مرض به من اجازه خوردن نمی‌دهد...

شبی در نجف اشرف که هوا بسیار گرم بود، مادر مریضم در پشت بام افتاده، ناله می‌کرد. دندان من هم به شدت درد می‌کرد. باز در همان حال مشغول نوشتن قاعده لاضرر بودم.

۳۷ - از نگارنده مقاله

۳۸ - از نگارنده مقاله

۳۹ - از نگارنده مقاله

وفات و مدفن

سوء تغذیه و ناملايمات روحی، استاد را به امراض گوناگون مبتلا ساخت و پس از یک عمل جراحی پیش از ظهر روز دوشنبه ۲۳ شوال ۱۴۰۹ هـ.ق در تهران ندای حق را لبیک گفت و چشم از جهان فرو بست. پس از ارتحال پیکر پاکش را به قم منتقل کردند. در تشییع جنازه اش جمعیت بسیار زیادی حاضر شدند.

مرحوم آیه الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی بر جنازه ایشان نماز خواند و در بزرگداشت ارتحال آن عالم بزرگوار بیانیه ای منتشر کرد و جنازه آن مرحوم را در یکی از حجره های صحن مطهر حضرت معصومه علیه السلام به خاک سپردند.

رحمت بی پایان خدا بر او باد.

خاک پای شیعیان

علی امیر مستوفیان

۲۷ شعبان المعظم سنه ۱۴۳۳

۲۷ تیرماه ۱۳۹۱

یادداشت مرحوم

آیت الله العظمی حاج سید

علی فانی اصفهانی مترجم کتاب

حاضر که به طور فشرده و خلاصه

مؤلف بزرگوار علامه مجاهد شیخ محمد

جواد بلاغی را معرفی کرده و به زمان ترجمه اشاره نموده‌اند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن على اعدائهم اجمعين.

اما بعد در ماه رمضان المبارک ۱۳۶۹ هجری قمری که از نجف اشرف به اصفهان آمده بودم به خواهش بعضی از دوستان، موفق به ترجمه کتاب «نصایح الهدی» از تألیفات علامه بزرگوار مرحوم شیخ محمد جواد بلاغی - قدس سره العزیز - شدم و در سال ۱۳۳۱ شمسی در اصفهان به چاپ رسید و چون نسخه‌های آن نایاب گردیده، اینک در سال ۱۴۰۵ قمری در قم تجدید چاپ می‌شود.

مرحوم علامه دانشمند حاج شیخ محمد جواد بلاغی نجفی رحمه الله در سال ۱۲۸۰ و اندی از هجرت در نجف اشرف متولد گردیده و در خدمت علماء بزرگ آن زمان، مثل مرحوم ملا محمد کاظم خراسانی و حاجی آقا رضا همدانی و امیرزا محمد تقی شیرازی در نجف و سامره تحصیلات خود را به پایان رسانیده و از مراجع تقلید شیعه به شمار می‌رفت او در فقه و اصول و تفسیر، تألیفاتی فرموده که از آن جمله: «آلاء الرحمن» در تفسیر قرآن است که بسیار با دقت نظر و سبک متینی نوشته شده و دیگر، کتاب «الهدی الی دین المصطفی» است در دو جلد، در رد شبهاتی که مسیحیت بر دین اسلام و قرآن کرده‌اند و در آن بطلان مذهب مسیحیین و حقانیت دین مقدس اسلام را به طور وافی اثبات فرموده که کتاب علمی بسیار مفیدی است؛ و نیز کتاب انوار الهدی را در رد شبهات شبلی شمیل طبیعی و اثبات صانع دین اسلام مرقوم داشته، و سه جلد «رحله المدرسیه» که در اثبات دین اسلام و رد یهود و نصاری و طبیعیین و اثبات معاد

می‌باشد، تالیف فرموده، مؤلف در زمان خود مرجع حل شبهات فرقه‌های باطله بوده و با کمال قناعت و عفت نفس و اقتصاد در زندگی شبانه روز به تالیف و تصنیف اشتغال داشت، بدون آنکه از کسی حقوقی داشته باشد یا اعانتی طلب نماید تا اینکه در سال ۱۳۵۲ قمری [۸۱ سال پیش] تقریباً در سن هفتاد سالگی وفات فرمود و این ضایعه بزرگ اثری دردناک در قلوب علماء و کافه اهل دیانت ایجاد نمود و در تمام بلاد عراق عرب مجالس سوگواری برپا نمودند، قصائد و اشعاری در مرثیه این بزرگوار سروده‌اند. خداوند او را جزای خیر عنایت فرماید!

علی الحسینی الاصفهانی العلامه الفانی

رجب المرجب ۱۴۰۵ قمری

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

www.BahatismIran.com

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

پایگاه اینترنتی بهائیت در ایران

ارتباط با ما:

info@bahatismiran.com

info@bahatismiran.net

bahatismiran@gmail.com

bahatism1@yahoo.com

